

# سرمایه‌پذیری از خارج و مخاطرات هراسناک آن

نوشته امیرحسین فرزانه

گزارش سال ۱۹۹۵ کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (UNCTAD) را می‌آورم. کل سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در آن سال معادل ۲/۶ تریلیون دلار (تریلیون = ۱۰<sup>۱۲</sup>) بود که سه چهارم آن در ممالک پیشرفته و یک چهارم باقی مانده آن در ممالک درحال پیشرفت (که محصول ناخالص داخلی آن‌ها برابر یک پنجم کل محصول جهانی بود) سرمایه‌گذاری شد. گزارش تصریح می‌کند که توفیق ممالک در حال رشد در جلب FDI موکول به آن است که مقررات دست و پاگیر را که مانع جابه‌جایی آزاد سرمایه‌گذاری‌ها است به کلی لغو کنند (تا به زانده اقتصاد جهانی درآیند) و اوضاع را برای سرمایه‌گذاری‌های موسسات چند ملیتی همه کشورها مساعد سازند و مانعی برای توسعه بازار و رقابت‌های بین‌المللی به وجود نیاورند. گزارش به این نکته تأکید کرده که ممالک شرق آسیا در سال ۱۹۹۴ به چنان رشد سریع اقتصادی دست یافتند که توانستند معادل ۶۱ میلیارد دلار از FDI بهره‌مند شوند (این همان رشد سریعی است که سه سال بعد به بحران فراگیر منجر شد). گزارش توضیح می‌دهد که غرب آسیا (که ایران هم جزء این منطقه است) هنوز فرصتی و توفیقی جهت جلب FDI پیدا نکرده است. ولی امید می‌رود جریان موفقیت‌آمیز صلح اعراب و اسرائیل شرایط مناسبی را برای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به وجود

اقتصاد آزاد برگزیند و منافع کاپیتالیسم جهانی را به خطر اندازد. بحران‌های عمیق روسیه و ممالک شرقی آسیا متقابلاً باعث تزلزل بی‌سابقه بازارهای مالی دنیا گردیده و معلول به علت بدل شده است. ما باید همه این‌ها را بدانیم و ضمناً از یاد نبریم که در حالی که از استفاده درست و بارآور (Productive) از منابع مالی و ارزی خود درمانده‌ایم معلوم نیست با چه معیارهایی می‌خواهیم از سرمایه‌های خارجی که مستقیماً زیرفرمان شرکت‌های چند ملیتی در قاف تا فاف دنیا جابه‌جا می‌شوند و حرف خود را می‌زنند بهره‌گیریم. چنان به نظر ما می‌رسد که اگر درآمد نفت به ۲۰ میلیارد دلار می‌رسید ما مشکل اقتصادی نمی‌داشتیم و اکنون که درآمد نفت ما به کمتر از نیمی از آن تنزل یافته لاجرم اقتصاد ما دردمند شده است. چنان تصور و نظری از بن خطاست و حاکی از ناآگاهی و بی‌توجهی ما از قوانین جامعه و ضرورت سازگاریهای ساختاری جامعه است. نفت مانند سایر منابع و ذخائر طبیعی ما ثروت ملی ماست و هیچ‌گاه نمی‌بایست درآمد آن را جزء درآمد ملی محاسبه کنیم. این را هم معترضه عرض کنم که نفت کالا است و قیمتش در بازار غیر قابل پیش‌بینی، نوسان می‌یابد و این فقره را نباید ناشی از توطئه‌های استکباری دانست!! در این جا برای آشنایی کلی با کم و کیف سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی Foreign Direct Investment یا FDI چند جمله از

گزارش طرح ساماندهی اقتصاد استفاده از منابع سرمایه خارجی را برای جبران کمبود درآمد ارزی ضروری تشخیص داده است. با اصل مطلب نمی‌توان مخالف بود، ولی بحران گسترده و عمیق و طولانی ممالک شرقی و جنوب شرقی آسیا که معلول همان استفاده «معجزه‌آسا» از سرمایه‌های خارجی و پیروی از سیاست‌های پیچیده جهانی کردن اقتصاد بوده است به ما می‌آموزد که در این باره باید با مطالعه و دوراندیشی تصمیم بگیریم و گام برداریم و فریفته ظواهر قضایا نشویم.

اکنون کمتر صاحب‌نظر و مسؤول دستگاهی است که تحت تأثیر هیاهویی که در مورد مزایای مسلم سرمایه‌گذاری‌های خارجی به راه انداخته‌اند، استفاده از این منابع را تأیید و تبلیغ نکند و آن را مُد ساماندهی اقتصاد نداند.

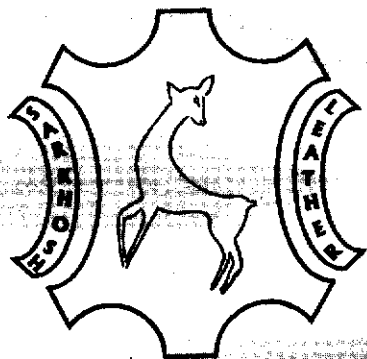
ما باید بدانیم که حامیان اقتصاد آزاد برای حفظ حرمت این اقتصاد، افکار عمومی را منحرف کرده‌اند و مدعی هستند که بیروز بحران به علت سیاست‌های غلط ممالک بحران زده شرق آسیا بوده است در حالی که بحران در ذات اقتصاد آزاد نهفته است و این مطلبی است که امروز که روسیه نیز در غرقاب بحران مالی دست و پا می‌زند بدان پی برده و غرب را از این بابت به وحشت انداخته است که مبادا این کشور راه دیگری به غیر از راه

## چرم سرخوش

تولید کننده: انواع البسه چرمی از بهترین نوع چرم سفارش و صادرات پذیرفته می‌شود.

از بهترین سازش پذیرفته می‌شود

آدرس کارخانه: خیابان امام خمینی - بین نواب و رودکی - کوی خبازان - شماره ۷ - طبقه اول  
کد پستی: ۱۳۱۴۷۸  
تلفن: ۷۴۸۷۸۴ - ۷۱  
آدرس فروشگاه: میدان امام حسین - جنب سینما تهران (میامی) - پاساژ لوکس - طبقه همکف  
تلفن: ۷۵۳۹۴۷  
پلاک ۱۴ - چرم سرخوش



**آورد (مطلبی است که باید مورد توجه دولت قرار گیرد).**

حال گوییم سیاست‌های کلی کابینالیسم اکنون حول استفاده از آخرین دست‌آوردهای علمی و تکنولوژیک و مخصوصاً تکنولوژی اطلاعاتی و صدور سرمایه و تشدید رقابت متمرکز شده و همین سیاست است که کم و کیف و جهت‌یابی سرمایه‌ها را معین می‌کند. امروز دقت و ظرافت آن است که یک کشور عقب مانده مقروض چگونه می‌تواند بین منافع خود با این سیاست جهانی همسازی به وجود آورد و منافع خود را حفظ کند؟ (در پایان این سطور نکته مهمی را در این باب یادآور خواهیم شد) اما در باب شرح این سیاست جهانی نشریات غربی وظیفه ما را آسان کرده و نیات خود را آشکار ساخته‌اند. مجله اکونومیست در شماره مورخ ۲۰ ژوئن طی بحث مفصلی به عاقبت صنایع تولیدی پرداخته و از جمله می‌نویسد دو تغییر عمده در اقتصاد جهانی به وقوع پیوسته که از لحاظ اهمیت و عظمت بی‌سابقه است. یکی آن که بسیاری از موسسات صنعتی و تولیدی از آمریکا و اروپای غربی و ژاپن به ممالک درحال پیشرفت امریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا و اروپای شرقی نقل مکان یافته‌اند (بخوانید صنایعی که دیگر برای موسسات چند ملیتی سودآور نیستند) از جمله آن‌ها «مهاجرت» صنایع ریسندگی از ممالک پیشرفته به ممالک درحال پیشرفت طی دو دهه اخیر است. اکنون صنایع آمریکا تغییر شکل یافته و تولید چیزهایی که هزینه کمتری می‌برند - مثل منسوجات، پوشاک، کفش، کیف دستی، صندلی اتومبیل، و سیم پیچی‌های برقی - روانه مکزیک شده‌اند. با ادامه این جریان دیری نخواهد پایید که شرکت‌های بزرگ چند ملیتی غرب بخش اعظم کارگران مورد نیاز را (البته با پرداخت مزد بسیار ناچیز که گاه کمتر از یک بیستم مزد معمول در ممالک متروپل است) در ممالک فقیر استخدام کنند و همزمان، بازارهای بومی وسیعی برای مشتریان بومی خود فراهم آورند. تغییر دیگر آن است که ممالک غنی‌تر اتحادیه OECD بیش از پیش خدمات را جانشین صنایع تولیدی می‌کنند (طراحی‌های فنی و صنعتی و تحقیق و انشاء R&D [تحقیق وتوسعه] جزء خدمات محسوب می‌شوند) و با کارهای سخت و خسته کننده وداع



گفته می‌شود این پارکومترها با اعتباری که یک نهاد بین‌المللی در اختیار ایران گذاشته برای شهر تهران خریداری شده است. این پارکومترها بلااستفاده مانده است ولی... عکس گویای خیلی واقعیت‌ها است.

### هرج و مرج اقتصادی

روزنامه لوس آنجلس تایمز مورخ دوم اوت در همین خصوص نوشت که پیچیدگی و در همی اقتصاد جهانی، پیش‌بینی آینده را مشکل ساخته تا جایی که متخصصان با تردید وعدم اطمینان اظهار نظر می‌کنند و به آینده می‌نگرند. در دنیایی که فعالیت یک دلال ارز در لندن بر کار کشاورزان برنج اندونزیایی موثر می‌افتد یا اقتصاد و صرفه‌جویی زنان خانه‌دار ژاپنی بر قیمت گوشت گاو در غرب میانه تاثیر می‌گذارد یا سرنوشت بزرگترین سازندگان در Silicon Valley (منطقه‌ای است در غرب کالیفرنیا که به داشتن نمونه‌ها و ساخت‌های عالی تکنولوژیک و صنایع دقیق تولیدی اشتهار دارد) را یک کادر کمونیست در پکن معین می‌سازد به روشنی معلوم می‌دارد که میان رونق و کساد فقط فاصله کوتاهی حایل است. افت بیشتر اقتصاد ژاپن و سپس آمریکا (ناظر است به هفته ماقبل دوم اوت) این نکته را بر اقتصاددانان مبرهن ساخت که سرعت جهانی کردن اقتصاد (بخوانید لجام گسیختگی اقتصاد آزاد) توانایی ارزیابی سلامت مالی جهان را از آنان سلب کرده است. پس غرب خود به آشفتگی و هرج و مرج در اقتصاد جهانی که زمامش را هم در دست دارد اذعان می‌کند. حال قابل ذکر است که

می‌کنند. کارهای مستلزم دقت و ظرافت (Fancy Work) را کارگران ماهر در ممالک ثروتمند انجام می‌دهند و کارهای ساده و نیازمند به مهارت کمتر در سایر کشورها (که محل عرضه کار ارزان است). تصمیم‌گیری درباره این که چه چیز در کجای دنیا باید ساخته شود در اختیار شرکت‌های چند ملیتی است.

پس تا اینجا معلوم شد که ممالک در حال رشد اختیاری در انتخاب نوع سرمایه‌گذاری‌های خارجی ندارند اما مسأله به همین جا ختم نمی‌شود... به دلیل تناقضات ذاتی اقتصاد آزاد غالب این سرمایه‌گذاریها حوادث ناگواری می‌آفرینند و مشکلی بر بار مشکلات می‌افزایند. موسسات چند ملیتی خودشان نوع سرمایه‌گذاری را در ممالک فقیر معین، و سرمایه‌گذاری می‌کنند و خودشان بحران به وجود می‌آورند و آن گاه دولت‌های متبوع خود را وامی‌دارند که آب بر آتش بحران بریزند، اما بحران‌ها مانند بحران ممالک شرق آسیا و روسیه سرکش‌تر از آن هستند که تسلیم سیاست‌های کلیشه‌ای سازمان‌های بین‌المللی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی یا هشدارهای سران کشورهای بزرگ غربی شوند.

دو مخلوق کنفرانس برتن وودز Bretton Woods یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی (که از جمله می‌بایست کسری توازن پرداخت‌ها را در ممالک آسیب‌زده جبران کنند و به احیا و توسعه اقتصادی بپردازند) نه لیاقتی در پیش‌گیری از بحران و نه هنری در تخفیف بحران از خود نشان دادند، سهل است که کار را از بد بترهم کردند. همان روزنامه در شماره ۹ اوت نوشت این دو موسسه اعطای وام به کشورهای بحران‌زده و سخت‌مالیده شده را مشروط به آن می‌کند که این کشورها از سیاست دروازه‌های باز اقتصادی پیروی کنند، سیاستی که ترکیب و بنای این جوامع را به کلی درهم می‌ریزد. به اعتقاد عده‌ای از صاحب‌نظران اقتصادی یکی از چاره‌های درد ممالک در حال پیشرفت انحلال همین دو موسسه است که تاکنون به تأخیر هم افتاده است. در همین زمینه این جمله را از زبان مانهیر محمد نخست‌وزیر واقعه دیده مالزی بشنویم که برای ساماندهی اقتصادی، بسیار آموزنده است. می‌گوید: «نیروهای اقتصادی خارجی نه تنها اقتصاد ما را فلج کرده‌اند بل خود مانعی در اعاده سلامت اقتصاد به شمار می‌آیند!» آنان که مشتاقانه و بی‌صبرانه و درست‌طرفدار جلب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی هستند جا دارد از تجربه مالزی درس بگیرند. آیا وزارت امور خارجه، در باب علل بروز بحران در منطقه و بسال‌الخص در کشور مالزی و سوابق همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای با مقامات مسوول کشور مذکور و مخصوصاً شخص نخست‌وزیر مذاکراتی انجام داده و گزارش‌های مستندی تهیه کرده است؟! آیا ما در ساختن الگوی اقتصادی از این تجربه‌ها استفاده کرده‌ایم؟! از آن چه گفتیم روشن می‌شود که مدل صنعتی - بازرگانی که کاپیتالیسم برای جوامع در حال پیشرفت می‌سازد اصولاً با مصالح و لازمه‌های ساختاری و سازمانی جوامع مذکور ناسازگار است و سرانجام محکوم به ناکامی است. اما بدون تردید همان طور که اقتصاد یک جامعه باید متوازن و سازگار با سایر اجزاء جامعه باشد لازم است که اقتصاد جامعه بین‌الملل هم متوازن و سازگار باشد.

**امروز هم جهان  
سرمایه‌داری بدل  
جهان و از جمله  
سازمان ملل سایه  
افکننده و مانع از آن  
شده است که توازن  
در روابط اقتصادی  
جهانی به وجود آید.**

مشکل آن است که اقتصاد سرمایه‌داری که مسعجونی از ناسازگاری‌ها است به دلیل حاکمیت مطلقه و فائقه جهانیش این ناسازگاری‌ها را در هر گوشه دنیا می‌پراکند و در روابط اقتصادی بین‌المللی جا می‌اندازد. یکی از وظایف سازمان ملل متحد ایجاد هماهنگی و سازگاری در این روابط است اما نه در گزارش‌های سالانه اقتصادی و اجتماعی این سازمان و نه در گزارش‌های سالانه کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (United Nation Conference on Trade and Development) (این کنفرانس در سال ۱۹۶۴ به همت ممالک در حال پیشرفت به منظور بهبود مناسبات بازرگانی Term of Trade بین ممالک غنی و فقیر تأسیس یافت و در نخستین برنامه‌اش با ناکامی روبرو شد) بویی از سازگاری اقتصاد جهانی به مشام نمی‌رسد. واقع امر این است که احکام نظام سرمایه‌داری برکل جهان و از جمله بر سازمان ملل متحد سایه افکننده است و مانع از آن شده است که سازگاری و توازن در روابط اقتصادی جهانی به وجود آید و فقر و عقب ماندگی از عرصه گیتی رخت برینند. در دهه هشتاد ممالک در حال پیشرفت منشوری را بنام «نظم نوین جهانی» تدوین کردند. پیام منشور تعدیل اقتصاد جهانی بود. قرار بود این منشور را به تصویب سازمان ملل متحد برسانند،

اما توفیق یار نشد.

امروز که همه کشورهای کم و بیش طعم تلخ مشکلات و ناکامی‌های اقتصادی را چشیده‌اند به نظر می‌رسد فرصت مغتنمی باشد که کشورها، چه آن‌ها که مدتی به معجزه و ببرهای آسیایی شهرت یافته بودند و امروز با بحران دست و پنجه نرم می‌کنند و چه آن‌ها که در زیر بار وام‌های سنگین کمر خرد کرده‌اند و چه آن‌ها که از مدار عطایای کاپیتالیسم و اقتصاد جهانی خارج مانده‌اند به دور از حب و بغض‌ها و گله‌ها و تعلقات ایدئولوژیک و براساس تجارب به دست آمده و لازمه‌های سازگاری اقتصاد جهانی آن منشور را به وجه متدولوژیک از نو بنویسند و با پشتکار و صمیمیت و احساس منافع مشترک مقدماتی فراهم آورند و آن را به تصویب ملل متحد برسانند.

در این میان آن چندین ده میلیون نفری که در ممالک پیشرفته صنعتی یا بیکار یا «نیمه بیکار» شده‌اند یا پایه درآمدشان تنزل یافته و چوب همان جهانی کردن اقتصاد را خورده‌اند در به تصویب رساندن چنان منشوری همدلی نشان خواهند داد. به علاوه کشور بزرگ روسیه که در آستانه شکست تجربه اقتصاد آزاد قرار گرفته و اوضاع اجتماعی درهم ریخته قطعاً در تدوین و تصویب چنان منشوری به یاری خواهد شتافت. چین هم به پیوستن به چنان منشوری بی‌علاقه نخواهد بود. دو کشوری که از اعضای ثابت شورای امنیت می‌باشند ما می‌توانیم با تهیه مقدمات لازم و همدلی اجزاء حاکمه و بسط آزادی‌های مدنی در تهیه و ترک هوی و هوس‌های نابخردانه جناحی در تهیه «منشور سازگاری اقتصادی جهانی» با همکاری نهضت کشورهای غیرمتعهد و سازمان کنفرانس اسلامی پیشگام شویم اما به دو شرط اول اینکه به قوانین تخلف‌ناپذیر جامعه گردن بگذاریم و دیگر این که به روابط سیاسی خود با کشورهای خارجی لبر و صورتی بدهیم.

